

### بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت کننده در مراسم بزرگداشت دهه‌ی فجر / ۱۳۴۹/۱۱/۱۷

اگر مسلمانان اراده کنند، میتوانند این خطر را مهار بزنند و متوقف کنند. ابرقدرتها وانمود کرده بودند که اراده‌ی آنها تخلف‌ناپذیر است. یک بار در انقلاب ما، یک بار در طول هشت سال جنگ تحمیلی و بارها در حوادث گوناگون، و امروز در قضایای خلیج‌فارس، بوضوح معلوم شد که این ادعا پوچ است. ابرقدرتها، با تشر و هیبت و ابهت ابرقدرتی، کارشان را از پیش میریزند؛ والا از لحاظ قدرت محسوس و ملموس، اگر ملتی بخواهد و اراده کند، میتواند آنها را ناکام نماید. امروز در خلیج‌فارس، تجربه‌ی دیگری است که نشان داده میشود. معلوم گردید، آن‌طور که ادعا میشد و امریکا خیال میکرد و ادعا و محاسبه مینمود - که مثل بسیاری از مواقع، این محاسبه هم غلط از آب در آمد - نتوانست ظرف چند روز، کارش را از پیش ببرد. چند ماه انتظار و الان هم هفته‌ها جنگ، معلوم میشود قدرت اینها، آن نیست که تبلیغ و وانمود میکنند؛ آن نیست که میخواهند ملتها آن را باور کنند. اینها، ضعیفتر از این حرفها هستند. بنابراین، همه‌ی ملتها و دولتها و کشورها، در آفریقا و آسیا و در همه‌ی مناطق دیگر عالم، حتی آن‌جایی که مسلمانان در اقلیت هستند، میتوانند در مقابل امریکا بایستند و از تحمیلها شانه خالی کنند.

### بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۴۹/۱۱/۱۹

ما لحظات حساسی را میگذرانیم. تمام این دوازده سال، همین‌طور گذشته است. آنها که حساسیت لحظه و اهمیت هدف و ارزش این راه و مسیر را نفهمیدند، اشتباه کردند. امروز میفهمند که چه قدر اشتباه کرده‌اند. جمهوری اسلامی، به فضل الهی در حرکت اعتلایی خود درنگ نمیکند. طبیعت فکر و راه و هدف ما، این است. چرا بعضیها احساس حقارت میکنند؟ آن‌که مادی است، باید احساس حقارت کند. آن‌که اساس زندگی خودش را بر محاسبات صددرد مادی میگذارد، باید احساس حقارت بکند؛ همچنان‌که دیدید ابرقدرتها چوب آن اشتباهات را خوردند. امروز جوانترین شما هم، تجربیات پیران کهنسال را در مقابل چشم خودش دیده است. شما مگر فروریختن یک امپراتوری را به چشم ندیدید؟ امپراتوری مادی عظیم به اصطلاح حکومت سوسیالیستی و تفکر مارکسیستی که نصف دنیا را گرفته بود، مثل کاخی از بازیچه در هم فروریخت. امروز، چیزی از آن امپراتوری باقی نیست؛ درحالی‌که در عرصه‌ی محاسبات، خیلی محکم بودند. محاسبات، صددرد مادی بود و عنصر معنویت، در آن لحاظ نشده بود. تجربه‌ی دیگر شما، شکست فضیخ آن امپراتوری زر و زور نقطه‌ی مقابل اوست؛ یعنی امپراتوری تفکر غربی امپریالیستی استکباری، متکی بر سود سرمایه و در آمد کارخانجات و استفاده از نیروی کار ارزان و تبلیغات و بهره‌گیری از انحرافات اخلاقی و گسترش فرهنگ فساد در دنیا. این، خلاصه‌ی آن امپراتوری دیگر است. او هم شکست میخورد و محاسبات مادی، یکی پس از دیگری غلط درمی‌آید. مگر همه چیز، ماشین است که محاسباتش را بشود با ریاضیات محض و دو دوتا، چهارتا حل کرد و تمام نمود؟! آن‌جایی که مساله، مساله‌ی انسانها و ایمانها و ارزشها و خصلتهای نیکوست، محاسبات معنوی، دخالت فوق‌العاده‌ی دارد؛ بلکه تعیین‌کننده است. بر اساس محاسبات مادی، آنها میبایست روزبه‌روز قدرتمندتر میشدند و امروز شما میبینید که محاسباتشان در چه صحنه‌های خجلت‌آوری، دچار ناکامی شده است.

### بیانات در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۷۵/۱۱/۱۸

عزیزان من! اصل مطلب این است که دشمنان ملتها، برای تصرف و از پا انداختن و نابود کردن مقاومت آنان، تدابیر گوناگونی را به کار میزنند. یکی از این تدابیر که امروز در جاهایی از دنیا خیلی نمایان است، این است که ارتشهای آن کشورها را قبضه میکنند. وقتی ارتش در یک کشور قبضه بیگانگان شد، در واقع امنیت از فضای سیاسی آن کشور هم رخت بر میندند. هر جایی که بیگانه لازم بدانند، به وسیله این بازی مسلح، اوضاع آن کشور را در هم و برهم، یا هدایت میکند و یا به‌کلی دگرگون میسازد. این، نشان دهنده نقش با اهمیت نیروهای مسلح در کشورها هم هست. در رژیم گذشته ایران هم کم و بیش این‌طور بود. آنها حتی تصور میکردند که وقتی دستگاه سیاسی این کشور - که خاندان پهلوی هم جزو آنها بودند - مجبور به عقب‌نشینی شود، باز کارگزاران آنها در نیروهای مسلح ایران خواهند توانست منافع امریکاییها را تامین کنند. البته آنها ایران و ایرانی و اعتقادات عمیق ما و اصالت ذوات و طبیعت مردم این کشور را نشناخته و بد محاسبه کرده بودند. منظورم صحت و سقم محاسبه آنها نیست؛ منظورم محاسبه عمومی بر روی نیروهای مسلح در کشورهای مختلف است. شما به کشورهایی که ارتشهایشان سرسپرده بیگانگان هستند، نگاه کنید، ببینید که در آن جاها چگونه عمل میکنند و کشورها در چه وضعیتی قرار دارند.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه / ۱۳۷۸/۰۵/۰۸

من هنوز درباره حادثه کوی دانشگاه یک استنتاج قطعی ندارم که قضیه چه بود. هر چند میدانیم که چه اتفاقی افتاد؛ اما چه بود، از کجا بود و چطوری شد، هنوز برای ما روشن نیست. هر که بود و هر چه بود، حادثه بسیار تلخی بود و خیلی سخت است آدم باور کند که این حادثه تصادفی پیش آمد؛ یعنی با این مقدماتی که گفتیم، آدم ذهنش به هزار جا میرود. آدم باورش نمی‌آید که حادثه، حادثه عادی و پیش‌آمده باشد؛ گمان میکند که این حادثه را پیش آورده‌اند. منتها در این‌جا آماج و بلاکش و جورکش حادثه، یک عده جوان دانشجوی مظلوم شدند که واقعا دل انسان خون میشود. این جوانان پیش من آمدند. آن شبی که این جوانان آسیب‌دیده و مصدوم کوی دانشگاه پیش من آمدند، هر کار کردم که ذهنم از این برادران منصرف نشود، نشد. انسان نمیتوانست خودش را از تلخی این حادثه دور کند. اینها جوانان نجیب و خوب و حقیقتاً مومن و صادق و پرشوری محسوب میشدند که عمدتاً متعلق به شهرهای دیگر - اصفهان، خراسان، یزد و ... - بودند؛ البته تعدادی هم تهرانی بودند. جماعتی از این جوانان آمدند و من از نزدیک آنها را دیدم. حقیقتاً دل انسان آتش میگیرد که این قدر دستهای دشمن، بيملاخظه و در ارتکاب به جنایت بیباک باشد که اگر این حادثه، حادثه‌ی محسوب شود که برنامه‌ریزی کرده و عمداً خواسته باشد آن را به وجود آورد، کسانی را از بهترین عناصر یک کشور - جوان و دانشجو؛ آن هم این‌گونه دانشجویانی - انتخاب کند! به خیال او، جرقه این‌طوری زده شد. منتها محاسباتش غلط از آب درآمد؛ که حالا من خواهم گفت اشتباهات دشمن در محاسبات کجاها بود. من که این اشتباه او را در محاسبه میگویم، میدانم که نمیتواند این اشتباه محاسبه‌ها را درست کند؛ یعنی راهی ندارد. نه این‌که بگویم کجا اشتباه کردی که برود اشتباهش را تصحیح کند؛ نه، دشمن قادر نیست خودش را از این تناقض و از این موقع و موقف اشتباه خارج کند.

البته شروعتشان، شروعی بود که آنها را امیدوار کرد. یک عده دانشجو از حادثه کوی دانشگاه ناراحت و عصبانی شدند و به خشم آمدند. دانشگاه تهران، محور دانشگاه‌های کشور است؛ مایه امید همه است. بچه‌ها عصبانی شدند؛ آنها آمدند و خواستند از عصبانیت این جوانان استفاده کنند؛ داخل صفوف اینها شدند و شعارها را از شعارهای دانشجویی، به شعارهای ضد نظام تبدیل کردند؛ بعد هم جریان را به خیابانها کشاندند و قضایایی که شنیده‌اید و میدانید. خیال کردند که کار را پیش برده‌اند؛ اما نیروی انتظامی با قدرت وارد شد. با این‌که آن ضربه را آن روز اول و دوم به نیروی انتظامی زدند، اما انصافاً نیروی انتظامی خوب به میدان آمد. انتظار این بود که نیروی انتظامی بعد از آن ضربه اول - ضربه حیثیتی - اصلاً نتواند هیچ دفاعی بکند؛ اما انصافاً به میدان آمدند و خوب دفاع کردند. بعد هم که بسیج - آن نیروی اصلی و عظیم ملت ایران - با سازماندهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وارد شد و به‌طور قاطع، مثل کاغذی که مچاله کنند، دشمن را مچاله کردند. فردای آن روز هم که ملت به صورت واقعا خودجوش به خیابانها آمدند و آن تظاهرات پرشور و عظیم و میلیونی را راه انداختند که دستهای بیگانگان سعی کردند آن را کوچک کنند. در نظر چه کسی کوچک کنند؟ در نظر مردمی که در کشورهای دیگر هستند. ممکن است که موفق شوند حادثه را طور دیگر جلوه دهند؛ اما مردمی که در تهران، در اصفهان، در شیراز، در مشهد، در تبریز، در شهرهای گوناگون و همه جا خودشان دیدند که چه خبر بود، آیا در نظر اینها هم میتواند حقیقت را قلب و عوض کند؟

اولین محاسبه غلطشان، محاسبه غلط درباره ملت ایران بود. خیال کردند ملت ایران از اسلام و از انقلاب و از امام بریده است. نفهمیدند که این ملت، همان ملتی است که با اقتدار عظیم خود توانست نظام فاسدی را که امریکاییها و دیگران، اطرافش هفت حصار درست کرده بودند، از داخل این کشور بردارد و آن را نابود کند. این ملت، همان ملتی است که در کودتای امریکایی بهمن ۱۳۵۷ به دستور امام به خیابان آمد و در ظرف چند ساعت کار را تمام کرد. این ملت، همان ملتی است که در دفع کودتای باز امریکایی در این کشور در سال ۵۹، در میدان و در صحنه آن‌چنان حضوری پیدا کرد که همه امیدها را قطع نمود. این ملت، همان ملتی است که در اغتشاش منافقین در سال ۶۰، آن‌چنان قدرت خود را نشان داد که دشمنی را که به عناصر مزدور و خودفروخته و روسیاه منافق دل بسته بود، مایوس کرد. این ملت، همان ملتی است که هشت سال تمام، جنگی را که همه قدرتهای موجود و مادی دنیا به طرف مقابل ما کمک کردند، با حضور خودش در صحنه، با همین بسیج، با همین دانشجویان، با همین جوانان، با همین کارگران، با همین روستاییان و با همین شهریها، توانست علیه خود آنها تمام کند. این ملت، همان ملتی است که در طول این بیست سال، هر وقت که توطئه دشمن به هر شکلی از اشکال زیاده‌روی کرده است، با حضور سیل‌آسای خود در خیابانها و در تظاهرات و در اجتماعات، مثل رودخانه‌ای که می‌آید و خس و خاشاکها را پاک میکند و از بین می‌برد، وارد میدان و صحنه شده و دشمن را ناکام کرده است. این همان ملت است؛ این همان جوانانند؛ این همان نسل است. این نسل جدیدی که امروز رو آمده است، نسل اسلام است. خطای در محاسبه‌شان این بود که خیال کردند ملت ایران از اسلام برگشته است؛ نه. فهمیدند که ملت ایران پایبند به اسلام است؛ پایبند به انقلاب است؛ پیوسته به نظام است؛ قدر این نظام قدرتمند و صالح را میدانند و در صد است که با ایستادگی، خودش مشکلات را حل کند.

این ملت دیگر حاضر نیست زیر بار امریکا برود، این ملت حاضر نیست مثل بعضی از ملتهای دیگر، رژیمی را قبول کند که آن رژیم برای کارهای کوچک و بزرگ خود باید از امریکا اجازه بگیرد؛ اگر میخواهد با دولتی ارتباط برقرار کند، یا میخواهد ارتباطش را قطع کند، باید اجازه بگیرد؛ اگر میخواهد سلاح بسازد، باید اجازه بگیرد. چند روز پیش در خبرها راجع به کشوری میخواندیم که از امریکا اجازه گرفت که برود فلان سلاحش را از فلان قدر، به فلان قدر برساند! ملت ایران اینها را در دنیا ببیند و حاضر نیست که این‌طور زندگی کند. ملت ایران مزه استقلال و طعم آزادی و عزت را چشیده است؛ ملت ایران مزه مسلط نبودن اجانب را چشیده است؛ لذا دیگر زیر بار نخواهد رفت. پس، اولین غلطی که در محاسبه‌شان داشتند، این بود که ملت ایران را بد ارزیابی و محاسبه کردند.

اشتباه دوم آنها اشتباه در محاسبه دانشجویان ما بود. گفت: خود گویم و خود خندم! خودشان گفتند، خودشان هم کیف کردند که دانشجویان با نظام مخالفند و اسلام را قبول ندارند! کدام دانشجویان؟ بله؛ ممکن است چهار نفر از نوکران و مزدوران شما در گوشه‌ای باشند و پسران یا دختران آنها هم دانشجو باشند - البته معلوم هم نیست این‌طور باشد؛ اما حالا به فرض چهار نفر هم پیدا شدند - ولی توده دانشجویان، مومن و هوشیار و رشید و آگاهند. دیدید با این‌که احساساتشان جریحه‌دار شده بود - قضیه کوی دانشگاه، حقیقتاً دانشجویان را عصبانی و ناراحت کرده بود - تا دیدند دشمن میخواهد استفاده کند، اعلان کردند و گفتند ما نیستیم. دانشجویان ما فرزندان ما هستند؛ فرزندان شما که نیستند؛ بچه همین خانواده‌اند. بچه این خانواده، حتی اگر بچه تخس هم باشد، وقتی که ببیند دشمن به خانه حمله کرد، می‌رود سینه سپر میکند. حتی آن تخسها گاهی بهتر هم سینه سپر میکنند! بچه خانواده، خودش را در دفاع مقدس نشان داد. شما ببینید از همین دانشگاه تهران و از دانشگاههای دیگر تهران و سایر نقاط کشور، چقدر دانشجو به جبهه رفت؛ چقدر دانشجو شهید شد. طبقه اولی که سپاه پاسداران را تشکیل دادند، اغلب همین دانشجویان بودند. طبقه اولی که جهاد سازندگی را تشکیل دادند، همین دانشجویان بودند. الان کارهای مهم علمی نظام را همین دانشجویان به صورت عملی و تجربی در آزمایشگاههای دانشگاهها انجام میدهند. چه فکر کردید درباره دانشجویان ما!؟

اشتباه سوم در مورد وحدت مسوولان بود. خیال میکردند همان شایعاتی را که پخش کرده‌اند، محقق خواهد شد؛ مثل آن دیوانه‌ای که خواست بچه‌ها را از خودش دور کند، به‌دروغ گفت فلان جا مهمانی میدهند! بعد که بچه‌ها شروع به رفتن کردند، خوش هم راه افتاد؛ گفت حالا شاید هم مهمانی بود! اینها خودشان شایعه را القا میکنند، خودشان هم باور میکنند که بین مسوولان اختلاف هست. نه آقا! بین مسوولان اختلافی نیست. همان روز سه‌شنبه عصری که لازم دیده شد مسوولین طراز اول کشور بیایند با بنده جلسه‌ای بگذارند، در آنجا روسای محترم سه قوه، رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، وزرای محترم اطلاعات، کشور و دیگران، وقتی صحبت میکردند، من دقت کردم، دیدم همه‌شان یک حرف میزنند؛ همه‌شان یک چیز میخواهند؛ همه‌شان دنبال یک مطلب و یک هدفند. مسوولان کشور این‌گونه‌اند. کجا رفتید؛ چه اشتباهی میکنید! خودشان مینشینند، مییابند، میدورند و برطبق آن قضاوت برای هر کسی حکمی صادر میکنند.

من الان عرض میکنم و میدانم که ملت ایران میدانند و با تکرار من خوشحال هم میشوند، و میدانم که دشمن هم میدانند و با تکرار من ناراحت میشود؛ اما همه بدانند که مواضع روسای کشور - بخصوص رئیس جمهور محترم - در این قضایا، مواضعی بود که صددرصد مورد تأیید و حمایت من بود. بنده به طور قاطع از مسوولان کشور دفاع و حمایت میکنم؛ از روسای سه قوه دفاع و حمایت میکنم. من به طور قاطع از شخص رئیس جمهور حمایت میکنم. اگر اشکال و ایرادی هم به عملکرد بعضی از اجزای دولت داشته باشم، به رئیس جمهور میگویم و میدانم و اطمینان دارم که ایشان دنبال میکنند. قضایای ما این‌گونه است. دشمن، چیز دیگر و طور دیگری فهمیده بود.

اشتباه چهارمشان محاسبه جناحهای داخلی سیاسی بود. اینها بد فهمیده بودند. دیده بودند که جناحها و خط و خطوط سیاسی گاهی به هم می‌ریزند؛ اما طور دیگری فرض کرده بودند. خیال کرده بودند که در این قضایا، این دو جناح یا دو، سه جناح، در مقابل هم میایستند و تا گاو و ماهی با هم خواهند جنگید! این‌جا را هم اشتباه کردند. دیدند که در راهپیمایی روز چهارشنبه، همه جناحها اعلام کردند که با راهپیمایی عظیم مردم همراهند و در آن شرکت خواهند کرد؛ این را باور نمی‌کردند. این‌جا دیگر چپ و راستی وجود نداشت. من از اسم چپ و راست هم خوشم نمی‌آید؛ اما حالا خودشان گاهی میگویند چپ و راست! همانهایی که هستند، همه‌شان اعلام کردند که در راهپیمایی عظیم مردم شرکت میکنند، و شرکت کردند. این هم اشتباه دیگر آنها بود.

اشتباه پنجم آنها این بود که نسبت به نیروهایی هم که برایشان کار میکردند، اشتباه کردند! اینها آن‌جا نشسته بودند و خیال میکردند عوامل مزدورشان توانسته‌اند یک شبکه منسجم قوی از ارادل و اوپاش درست کنند، که وقتی این ارادل و اوپاش به خیابان آمدند، دیگر هیچ کس جلودارشان نیست! این‌جا هم اشتباه کردند؛ نفهمیدند بولهای که به مزدوران خودشان داده‌اند، طبق معمول، اغلب این پولها صرف عطیاتی خود اینها شده است! روی نیروهای وابسته خودشان زیادی حساب کرده بودند. نفهمیدند که با یک حضور بسیج و با یک حضور مردمی، همه اینها دوباره مثل حشرات به لانه‌های خودشان خواهند خزید. حالا را با ۲۸ مرداد سال ۳۲ اشتباه گرفته بودند؛ چون آن روز هم همین اوپاش و ارادل و چاقوکشها و امثال اینها به خیابانها آمدند و همه چیز را از خود کردند. بعد که آنها کار را تمام کردند، آن وقت ارتش شاه هم آمد و وارد شد! خیال کردند که حالا هم این‌گونه است؛ فکر بسیج و فکر مردم و فکر این نیروهای انقلابی را دیگر نکرده بودند.

اشتباه ششم آنها درباره دستگاههای عمل کننده بود. خیال نمیکردند نیروی انتظامی، یا وزارت اطلاعات، یا مسوولان گوناگونی که بخشهای مختلف را به عهده دارند، بتوانند این‌طور مقتدرانه وارد شوند. همان‌طور که عرض کردم، خیال کرده بودند که دیگر نفسی برای اینها باقی نمانده است! اشتباه اینها در محاسبات بود و خدای متعال اینها را به خاطر خطاهایشان، دچار ناکامی و شکست تلخ کرد.

### بیانات در دیدار کارگزاران نظام / ۱۳۷۹/۰۴/۱۹

بنده به عنوان کسی که از اول این انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون و در عرصه‌های مختلف این نظام، با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده‌ام؛ هم آدمها را می‌شناسم، هم حرفها را می‌شناسم و هم با تبلیغات رسانه‌ای دنیا آشنا هستم؛ به یک جمع‌بندی رسیده‌ام که به‌طور خلاصه این است: یک طرح همه‌جانبه امریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی طراحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی شده‌ای است از آنچه که در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد. به‌نظر خودشان می‌خواهند همان طرح را در ایران اجرا کنند. دشمن این را می‌خواهد. من اگر بخواهم قرائن و شواهد این معنا را بگویم، الان در ذهنم هست؛ نه این که بخواهم دنبال نشانه‌هایش بگردم؛ شواهد آشکاری در اظهارات خودشان وجود دارد. در طول این چند سال، از اظهارات مغرورانه و قدرتمندانه و احیاناً حساب نشده آنها - که خودشان هم می‌گویند فلان مصاحبه‌ای که ما کردیم، عجولانه بود - صحت این ادعا کاملاً آشکار می‌شود که آنها به خیال خودشان طرح فروپاشی شوروی سابق را منطبق با شرایط ایران بازسازی کردند و می‌خواهند در ایران پیاده کنند. البته در چند مورد هم دچار اشتباه شدند که این هم از الطاف الهی است.

دشمنان ما در مواقع حساس در محاسبات خود دچار اشتباه می‌شوند. البته اینها اشتباهاتی نیست که اگر من ذکر کردم، آنها بتوانند اصلاحش کنند؛ نه، اشتباه در شناخت واقعیتها دارند. براساس این اشتباه برنامه‌ریزی می‌کنند و برنامه‌ریزی غلط از آب درمی‌آید؛ لذا موفق نمی‌شوند. آنها برای دفاع از رژیم پهلوی برنامه‌ریزی کردند و با همه قدرت هم ایستادند؛ منتها در شناخت مسائل ایران، در شناخت مردم، در شناخت روحانیت و در شناخت دین اشتباه کرده بودند؛ لذا شکست خوردند. این‌جا هم سرنوشتشان جز این نیست و شکست خواهند خورد.

اینها در چند مورد اشتباه کردند: اشتباه اولشان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دومشان این است که اسلام، کمونیسم نیست. اشتباه سومشان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست. اشتباه چهارمشان این است که ایران یکپارچه، شوروی متشکل از سرزمینهای به هم سنجاق شده نیست. اشتباه پنجمشان این است که نقش بی‌بدیل رهبری دینی و معنوی در ایران، شوخی نیست. این اشتباهات را بعداً توضیح خواهم داد.

### بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۷۹/۰۹/۲۵

رفتار صهیونیستها آنقدر وحشیانه و دور از موازین رحم و مروت انسانی است که به‌طور طبیعی این نسل جوان روی کارآمده فلسطینی را به ستوه آورده؛ دیگر طاقتشان تمام شده است و نمیتوانند تحمل کنند. صهیونیستها خیال میکنند که اگر شدت عمل به‌خرج دادند و تانک آوردند و توپ زدند و شیمیایی زدند، مردم را ساکت خواهند کرد. بله، ممکن است فشار را زیاد کنند و در برهه‌ای مردم را ساکت کنند؛ اما آن عقده‌های گره شده در گلو را که نمیتوانند از بین ببرند؛ آنها که از بین‌رفتنی نیست؛ آنچنان رعد و غرشی در فضا به وجود خواهد آورد که همه کآخپایشان را فرو خواهد ریخت. این‌طور نیست که بتوانند این حرکت را ریشه‌کن کنند. نکته دوم که بسیار اهمیت دارد، این است که با این قیام، تمام محاسبات دولت غاصب صهیونیست به هم ریخته است؛ چون اساس محاسبات آنها بر این استوار بود که ملت فلسطین بعد از آن فشارهای اول کار و بعد از تبعید بیش از نیمی از مردم اصلی فلسطین به خارج از کشورشان و گذشتن سالهای متمادی، دیگر حال و حوصله و عزم و نشاط و جان مقابله را نخواهد داشت. در حال حاضر این محاسبات، غلط از آب درآمده و این پایه به هم ریخته است. وقتی هزاران هزار مردمی که در خود فلسطین هستند - نه گروههای فلسطینی خارج از مرزهای اصلی فلسطین که در لبنان یا اردن یا جاهای دیگر هستند - مصمم باشند با آن نظام مبارزه کنند، دیگر آن فضای امنی که برای خودشان به عنوان بهشت موعود در نظر گرفته بودند و مهاجران غیرفلسطینی - یعنی یهودیان سرتاسر دنیا - را به آنجا کشانده بودند، وجود نخواهد داشت. امروز محاسبات به هم خورده است؛ لذا میبینید که دولتشان مجبور شد استعفا دهد. این، اجبار و ناگزیری است. البته کسانی که بیشترین فشار را برای این استعفا داشتند، ممکن است در محاسباتشان این‌طور خیال کنند که بایستی شدت عمل بیشتری به‌خرج داد و حکومت سنگدل‌تری را بر سر کار آورد؛ اما اشتباه و خطاست. مساله، مساله کوچکی نیست؛ مساله عظیمی است؛ سرنوشت دنیای اسلام و سرنوشت همه کشورهای اسلامی - بخصوص کشورهایی که به این کانون خطر و به این غده فساد نزدیکترند - به سرنوشت آنها بستگی دارد.

### بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر / ۱۳۷۹/۱۲/۰۹

من معتقدم که دانشگاه پایگاه اصلی انقلاب بوده و باز هم خواهد بود. نسل جوان دانشجو اجازه نخواهد داد که دانشگاه خانه امن دشمنان این ملت و فریب‌خوردگان بیگانه شود. یک روز محاسبات غلطی کردند، از دست خود دانشجویان تودهنی خوردند. امروز هم مثل این که باز عده‌ای دوباره میخواهند همان محاسبات غلط را بکنند؛ ولی مطمئن باشند که از دست خود دانشجویان باز هم تودهنی خواهند خورد. البته من معتقدم که دانشگاه خودکفاست و به تزریق نیروی کمکی از بیرون احتیاج ندارد. امتیازی که دانشگاه سال ۷۹ بر دانشگاه سال ۵۹ دارد، این است: امروز نسل اساتید نیز همان نسل مومن و متعهدی است که ما آن را در سال ۵۹ بسیار کم داشتیم. نمی‌گویم نداشتیم، اما بسیار کم داشتیم. امروز بحمدالله دانشگاهها ما از استاد مومن، از دانشجو مومن و از مدیران مومن سرشار است. بنابراین من از دانشگاهها نگرانی ندارم. البته به شما دانشجویان میگویم، سنگریان این سنگر شماست. مواظب باشید خاکی‌هایتان سست نشود. دائم خاکی‌ها را ترمیم کنید. خاکی‌ها، خاکی‌های فرهنگی و فکری است؛ اینها را ترمیم کنید. خودسازی فکری و اخلاقی و انقلابی درونی دانشجویان یک فریضه است - چه هر دانشجویی نسبت به خودش، چه به معنای درون دانشگاه و محیط دانشگاه - این خودسازی، همان ترمیم خاکی‌ها و سنگرهاست.

### بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی / ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

شما آینده عراق را چگونه پیش‌بینی میکنید؟

من نمیتوانم پیش‌بینی قطعی کنم. آنچه به گمان زیاد و طبق محاسبات، انسان میفهمد، این است که نقشه‌ای که امریکاییها برای عراق داشتند، تحقق نخواهد یافت. آنچه تا الان تحقق پیدا کرده، مقدمات نقشه آنهاست. امریکاییها با مشکلات و چالهای زیادی مواجه خواهند شد. چیزهایی در صحنه عراق اتفاق افتاده و میافتد که قبلاً به هیچ‌وجه آنها را محاسبه نکرده بودند. همین استقبالهایی که از بعضی علما و بزرگان در عراق میشود، ما میدانیم و اطلاع داریم که به‌کلی امریکاییها غافلگیر شده‌اند. چه زمانی آدم غافلگیر میشود؟ وقتی به هیچ‌وجه وقایع را پیش‌بینی و محاسبه نکرده باشد. امریکاییها اتحاد گروههای شیعه، همراهی گروههای شیعه و سنی، شعارهای مردم عراق و خواست صریح حکومت مردمی و برخاسته از آرا مردم را در مقابل کارشان - که گفتند حاکم نظامی میگذاریم و گذاشتند و قدرت‌نمایی هم کردند - محاسبه نکرده بودند و کار، بمحاسبه این جوانب صورت گرفته است و چون بمحاسبه است، دچار ضربه خواهد شد. هر کار بمحاسبه‌ای همین‌طور است؛ یعنی از همان‌جایی که محاسبه نکردند، ضربه را خواهند خورد. این پیش‌بینی اجمالی است که من میکنم.

### بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیات دولت / ۱۳۸۲/۰۶/۰۸

یکی از شعارهای خوبی که آقای رئیس‌جمهور، هم در دوره‌ی انتخابات، هم بعد از آن تکرار کردند، مساله‌ی دولت اسلامی است. من به این موضوع در نماز جمعه اشاره‌ی کردم. باید قدری بیشتر این مفهوم را بشکافیم. نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی میتوانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این‌طور شده؛ در الجزایر همین‌طور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمانها بودند؛ اما بعد از آنکه نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به میانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. این‌جا هم همین کارها داشت میشد. در همان روز ۲۱ بهمن ۲۲ بهمن از این کارها داشت میشد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت میکردند

که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغليب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظام‌های سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه‌ی کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیايند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه‌ناپذیر شکست‌ناپذیر را در محاسباتشان ندیده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. حتی روز سوم بعد از پیروزی انقلاب راه افتادند آمدند جلوی بیت امام در مدرسه‌ی علوی و تظاهرات کردند و مطالبات به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد.

#### بیانات در دیدار کاروان‌های راهبان نور در دهلاویه / ۱۳۸۵/۰۱/۰۵

من در این منطقه، مردمی را دیدم که عمر خود را در همین منطقه گذرانده بودند - برادران و خواهران عرب - و با شجاعت، با جانفشانی و وفاداری خود به اسلام و ایران عزیز، آن‌چنان ایستادگی کردند که همه‌ی محاسبات دشمن یعنی و پشتیبانان خارجی او، غلط از آب درآمد. من در این منطقه، جوانان غیور این کشور را مشاهده کردم که از اکتاف این کشور پهناور و بزرگ، از آغوش خانواده‌ها، از زندگی راحت در کنار پدر و مادر، دل بریده بودند تا به اینجا بیایند و از مرزهای شرف و عزت ایران اسلامی دفاع کنند. خوزستان، نقطه‌ای است که در آن توطئه‌ی دشمنان ناکام ماند؛ خوزستان منطقه‌ای است که در آن محاسبات دشمنان اسلام غلط از آب درآمد. طاغوت عراق طور دیگری محاسبه کرده بود و پشتیبانان صدام - یعنی امریکا و دیگر عناصر اردوگاه استکبار جهانی - محاسبات دیگری کرده بودند. همت شما مردم، غیرت جوانان مسلمانان از سراسر کشور و حمیت و ایمان مرد و زن این سرزمین، محاسبات آنها را از ریشه باطل کرد. جانهایی در اینجا قربان اهداف بلند اسلامی شدند؛ که این شهید عزیز ما - شهید چمران - یکی از نمونه‌های برجسته‌ی آن است. یاد شهدا گرامی باد! یاد سرداران شهید و مجاهدان راه خدا گرامی باد! یاد شهیدان خوزستان و جوانان مخلص عرب - از اهواز و سوسنگرد و شادگان و حمیدیه و هویزه و دیگر مناطق این استان و شهیدان آبادان و خرمشهر - گرامی باد! اینها این کشور را بیمه کردند.

#### خطبه‌های نمازجمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) / ۱۳۸۹/۰۲/۱۲

یکی خوی توحش صهیونیست‌هاست که این را دنیا دیگر فهمید. دنیا باید بفهمد. صهیونیستها ادعا میکنند که ما برای بازرسی یا برای اینکه بگوئیم به سمت غزه نیائید، وارد کشتیهای اینها شدیم - که البته مثل سگ دروغ میگویند! برای حمله رفتند، نقشه‌ی حمله کشیدند، اهدافشان هم مشخص است - اینها ولو برای اندرزگویی هم رفته باشند، باز برخلاف همه‌ی مقررات بین‌المللی رفتار کردند. یک کشتی دارد در دریای آزاد حرکت میکند؛ شما حداکثر کاری که میتوانستید بکنید، این بود که نگذارید آنها وارد بنادر شما بشوند. چرا وسط دریا رفتید، به اینها حمله کردید، کشتار کردید، عده‌ی زیادی را کشتید، عده‌ی بیشتری را مجروح کردید، عده‌ی بیشتری را اسیر کردید؟ چرا؟ خوی توحش. این همان چیزی است که جمهوری اسلامی سی سال است آن را فریاد میزند و غریبه‌های دور و دروغگو و ریاکار این را ندیده و نشنیده میگیرند. امروز همه‌ی دنیا به چشم دید که اینها چقدر خوی توحش دارند. صهیونیستها در محاسبه‌ی خودشان خطا کردند. آنها اشتباه بزرگی کردند. این اشتباه در سالهای اخیر دارد مکررا اتفاق میافتد. حمله‌ی به لبنان کردند، اشتباه کردند؛ حمله‌ی به غزه کردند، اشتباه کردند؛ حمله‌ی به این کشتیها کردند، اشتباه کردند. این اشتباه‌ها یکی پس از دیگری نشان‌دهنده‌ی این است که رژیم غاصب صهیونیستی به نهایت قطعی خود - یعنی سرنگون شدن و ساقط شدن در دره‌ی نیستی - دارد قدم به قدم نزدیک میشود.

#### بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور / ۱۳۸۹/۰۶/۱۶

یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق‌الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگی یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز آمریکاها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه میخواد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بانه است. مسئله، مسئله‌ی فشار است، میخوامند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ میخوامند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. میگویند ما طرفمان ملت ایران نیست؛ دروغ میگویند؛ اصلا طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار میگیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلا این است. البته ملت ما را نمیشناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. میخوامند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت! آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلا محاسباتشان اشتباه است؛ نمیفهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند میکنند. خب، اما فشار می‌آورد؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.

#### بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و طلاب نخبه‌ی حوزه علمیه قم / ۱۳۸۹/۰۸/۰۲

نمیشود در خلا. برنامه زندگی کرد؛ باید برنامه ریزی انجام بگیرد. پس باید به چیزهای عملی نگاه کرد؛ یعنی آرزوهایی که حق است و یک روزی بلاشک این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد. بنده از این آدمهای مایوس بن‌بست‌نگر نیستم. من یقین دارم که این آرزوها تحقق پیدا خواهد کرد، منتها بستگی دارد به اینکه شرایط و واقعیات چگونه پیش برود. عوامل موثر در حوادث، غالبا متنوع است؛ اغلب این حوادث هم از ذهن انسان خارج است، از محاسبات دور است. تنها چیزی که قابل محاسبه است، اینهاست؛ «ان تصرف الله ینصرکم»؛ «من کان لله کان الله له»، «ولینصرن الله من ینصره»؛ چون غیبی است و خدای متعال فرموده و «هو اصدق القائلین» است. غیر از این، همه این مطالعات و برنامه ریزیها قابل خدشه است، به خاطر اینکه عوامل موثر در حوادث از محاسبه خارج است. قدرتهای جهانی هم امروز در محاسباتشان همین را میدانند و ملاحظه هم می‌کنند؛ لذا شما میبینید یک چیزهایی را برنامه‌ریزی می‌کنند یا اعلان میکنند، بعد تحقق پیدا نمیکند؛ نه به خاطر این است که پشیمان شده‌اند، برای این است که میبینند نمیشود. حوادثی پیش می‌آید که محاسبه نشده است. بنابراین آن چیزهایی را که عملی است، باید به طور جدی مطرح کرد و دنبال کرد.

#### بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی / ۱۳۸۹/۱۰/۱۹

ملت ایران در میدانهای گوناگون، کمک الهی را، حمایت الهی را لمس کرده است، حس کرده است؛ وقتی توی صحنه است، وقتی آماده‌ی مجاهدت است؛ در جنگ تحمیلی یک جور، در فضایی گوناگون یک جور، در تحرکات سیاسی و در فتنه‌ها یک جور. در همین فتنه‌ی سال ۸۸ دست قدرت الهی بود؛ مردم بیدار شدند، مردم وارد صحنه شدند و یک حرکت عظیم را خنثی کردند.

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه‌ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه‌ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان میگویند سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نیاستی انسان بازیچه‌ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگرانی بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طراحی این بود که اگر توانستند قاعده‌ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده‌ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشاند؛ با خیال خودشان - من یک وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل

سایه‌هایی که حرکت یک قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه‌شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و بساط اینها را جمع کرد.

### بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

اینچه ما را در اینجا گرد آورده، بیداری اسلامی است؛ یعنی حالت برانگیختگی و آگاهی‌ای که امت اسلامی که اکنون به تحولی بزرگ در میان ملت‌های این منطقه انجامیده و قیامها و انقلاب‌هایی را پدید آورده که هرگز در محاسبه‌ی شیاطین مسلط منطقه‌ای و بین‌المللی نمیگنجد؛ خیزش‌های عظیمی که حصارهای استبداد و استکبار را ویران و قوای نگهبان آنها را مغلوب و مقهور ساخته است.

### بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی / ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

یک روز در صدر اسلام، دشمنان به نظرشان رسید که با شعب ابی‌طالب و محاصره‌ی اقتصادی مسلمانها، آنها را از پا بیاورند؛ اما نتوانستند. این روسیاه‌های بدمحاسبه‌گر خیال میکنند ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالبیم. اینچور نیست. ما امروز در شرائط شعب ابی‌طالب نیستیم؛ ما در شرائط بدر و خیبریم. ما در شرائطی هستیم که ملت ما نشانه‌های پیروزی را به چشم دیده است؛ به آنها نزدیک شده است؛ به بسیاری از مراحل پیروزی، با سرافرازی دست پیدا کرده است. امروز مردم ما را از محاصره‌ی اقتصادی میترسانند؟ با این حرفها، با این ترفندها میخواهند مردم را از صحنه بیرون کنند؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ امروز میخواهند در اراده‌ی مسئولین اختلال ایجاد کنند؟ «قل هذه سیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی»؛ این راهی است که با بصیرت انتخاب شده است، این راهی است که با مجاهدت باز شده است، این راهی است که با خون عزیزترینها هموار شده است. ما از این راه رفتیم، به قله‌هایی هم دست پیدا کردیم. ما متوقف نمیشویم، ان‌شاءالله پیش میرویم؛ ولی تا امروز هم به قله‌های بسیاری دست پیدا کرده‌ایم. جمهوری اسلامی، امروز کجا، بیست سال و سی سال قبل کجا؟ دشمنان جمهوری اسلامی، هیمنه و باد و بروت آن روزشان کجا، ضعف و انکسار امروزشان کجا؟ اینها نشانه‌هایی است که ملت ایران را تشویق میکند. نخیر، در ادامه‌ی راه اسلام - که راه خداست، راه دین است، راه سعادت دنیا و آخرت است - اراده‌ی مسئولین همچنان مستحکم خواهد ماند؛ مردم هم امروز و در آینده، پای ثابت این حرکت عظیم خواهند بود.

### دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب / ۱۳۹۱/۱۲/۱۷

رهبر انقلاب اسلامی برخی از چالش‌های پیش روی نظام اسلامی، از جمله تحریم‌ها و به‌ویژه ممنوعیت واردات برخی کالاها را به نفع کشور دانستند و افزودند: نتیجه‌ی این تحریم‌ها، بازگشت به خود و جوشش از درون است؛ همان‌گونه که در خصوص اورانیوم ۲۰ درصد مورد نیاز راکتور تحقیقاتی تهران اتفاق افتاد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تولید رادیودارو در راکتور تحقیقاتی تهران و فشار غربی‌ها در خصوص اورانیوم ۲۰ درصد به منظور تسلیم‌شدن ایران در مقابل خواسته‌های آنها خاطر نشان کردند: دشمنان ملت ایران به دلیل نشناختن ملت ایران و اشتباه‌های محاسباتی، در این قضیه راه‌های پر پیچ و خم و عجیب و غریبی را پیشنهاد دادند که احتمال رسیدن اورانیوم ۲۰ درصد از این راه‌ها صفر بود و بر همین اساس، نظام اسلامی زیر بار این پیشنهادها نرفت. ایشان افزودند: آنها برای تحریک افکار عمومی دنیا و دوستان ایران، یک طراحی دیگر کردند و رئیس‌جمهور آمریکا از روسای جمهور ترکیه و برزیل درخواست کرد و وساطت کنند تا ایران یک راه حل میانه‌ای را بپذیرد. رهبر انقلاب اسلامی گفتند: من همان موقع به مسئولان گفتم که پیگیری این راه حل اشکالی ندارد، اما بدانید که آمریکایی‌ها آن را قبول نخواهند کرد و همان‌طور هم شد.

### بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی / ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از دهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملت ایران دشمنند؛ با ملت ایران مخالفند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان و همراهانشان انجام میگیرد، برای به زانو درآوردن ملت ایران است؛ برای تحقیر ملت ایران است. البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند؛ این یک واقعیتی است که آمریکایی‌ها در تحلیل حوادث این منطقه و به‌طور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباه‌های راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آنها دارد مرتباً صدمه میزند، ضربه میزند و ناکامشان میکند؛ خطای محاسباتی دارند. [یک] مسئول آمریکایی همین چند روز قبل از این میگوید که ایرانی‌ها گیر افتاده‌اند؛ ایرانی‌ها در قضایای هسته‌ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر میشوند. خوب، این خطای محاسباتی است؛ ایرانی‌ها گیر نیفتاده‌اند، حالا شما در بیست و دوم بهمن ان‌شاءالله خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت؛ آنوقت معلوم میشود که آیا دست ملت ایران بسته است؟ دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده‌است و بعد از این هم نشان خواهد داد؛ مسئولین هم همین‌جور؛ مسئولین کشور هم ان‌شاءالله با ابتکارات خودشان، با شجاعت خودشان نشان خواهند داد که دست ملت ایران بسته نیست. او تصور میکند که ایران را در سه‌کنج گیر انداخته! میگوید پشت ایرانی‌ها به دیوار رسیده است! نه آقا، اشتباه میکنید! شما هستید که دچار مشکلید. همه‌ی واقعتهای منطقه‌ی ما نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها مغفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین‌طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالهای متمادی است شکست پشت سر شکست! جمهوری اسلامی پیش رفته است. امروز جمهوری اسلامی با نظام جمهوری اسلامی در ۳۵ سال قبل، قابل مقایسه نیست. تراکم تجربه‌ها، تراکم کارها، پیشرفتهای فراوان، نفوذ عظیم منطقه‌ای، رسوخ میانی انقلاب در اعماق دل‌های جوانان این کشور؛ اینها چیزهای کوچکی است؛ این حوادث وجود دارد؛ اینها حقایقی است. در مورد مسائل گوناگون دچار همین خطای محاسباتی هستند.

### بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۲/۰۸/۱۲

قبل از انقلاب، در دوران حرکت عظیم مردمی -حالا. ماجراهای هفدهم شهریور و کشتار مردم و این مسائل که خوب همه به‌وسیله‌ی دولت دست‌نشانده‌ی آمریکا انجام گرفت، به جای خود- در هشتم بهمن، یعنی چند روز قبل از ورود امام به داخل کشور، در همین خیابانهای تهران، همین خیابان انقلاب، مردم اجتماع کرده بودند؛ ژنرال هابیز که فرستاده‌ی آمریکا بود و به ایران آمد برای اینکه شاید بتواند یک‌جوری از دست انقلاب رژیم را نجات بدهد و حفظ بکند، او در خاطرات خودش مینویسد -اینها اسناد تاریخی است- و میگوید من به ژنرال قره‌باغی گفتم که در مواجهه‌ی با مردم لوله‌ی تفنگ‌هایتان را پایین بیاورید؛ یعنی مردم را بکشید، تیر هوایی بیخودی در نکید، مردم را قتل‌عام کنید. اینها هم همین کار را کردند، لوله‌ی تفنگها را پایین آوردند، عده‌ای جوان و نوجوان کشته شدند ولی جمعیت عقب نرفت. هابیز میگوید: قره‌باغی بعد آمد به من گفت که این تدبیر تو فایده‌ای نکرد، مردم عقب نرفتند، آنوقت هابیز میگوید من دیدم این ژنرال‌های شاه چقدر کودکانه فکر میکنند؛ یعنی باید ادامه میدادند، باید مرتب میکشیدند. ببینید این رژیم دست‌نشانده بود. ژنرال آمریکایی دستور قتل‌عام هم‌وطنان را به ارتشبد ایرانی میدهد و این به دستور او و به توصیه‌ی او عمل میکند و چون فایده‌ای ندارد، می‌رود به او میگوید فایده‌ای ندارد؛ او هم میگوید اینها بچه‌اند، اینها کودکانه فکر میکنند. این،



ماحصل و خلاصه‌ی حکومت پهلوی در ایران است.

آمریکایی‌ها این‌جوری با ما شروع کردند؛ با انقلاب این‌جوری شروع کردند. بعد هم در طول این مدت هرچه توانستند توطئه کردند. هر گروهی که میتوانست علیه انقلاب حرکتی بکند، از سوی آمریکایی‌ها حمایت شد: کودتای معروف به کودتای پایگاه شهید نوزدهم همدان، یکی از این قضایا بود؛ کمک به کسانی که به‌عنوان قومیتها در گوشه و کنار کشور علیه انقلاب حرکت میکردند، یکی از این نمونه‌ها بود؛ بعد تشویق صدام حسین به حمله به ایران و هشت سال کمک به صدام حسین یکی از این نمونه‌ها بود. هشت سال! آمریکایی‌ها در طول جنگ، بخصوص بعد از سال دوم و سوم، کمکهایشان را شدید کردند، امکانات دادند؛ هم آنها، هم متاسفانه هم‌پیمانان اروپایی‌شان. آمریکایی‌ها این‌جوری با انقلاب ما عمل کردند؛ همت آنها این بود که این اساس را براندازند. خوب، این خطای در تحلیل بود، خطای در فهم قضیه بود؛ آنها خیال کردند که اینجا هم مثل فلان کشور آفریقای یا آسیای است که یک کودتایی میشود، اسمش را میگذارند انقلاب، میتوانند این را از بین ببرند؛ نمیدانستند اینجا اولاً متکی است به مردم -این انقلاب، انقلاب مردم است- ثانیاً متکی است به باورهای دینی؛ اینها را نمیفهمیدند. لذا در طول این ۳۶ سال یا ۳۷ سال، آمریکایی‌ها هر کاری علیه انقلاب کردند، شکست خوردند؛ بعد از این هم ان‌شاءالله شکست خواهند خورد. هدف از این حرف این است که ما به‌عنوان ملت ایران، به‌عنوان مردمی که کشورمان را دوست داریم، به‌عنوان مردمی که برای خودمان یک آینده‌ای ترسیم کرده‌ایم که می‌خواهیم خودمان را به آن آینده برسانیم، آمریکا را بشناسیم؛ هدف این است.

#### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

این را قاطعاً عرض میکنم که دشمن با همه‌ی برنامه‌ریزی‌هایش، مردم ما را نشناخته، ملت ایران را نشناخته؛ اشتباه میکنند. دیدید در سال ۸۸ خطا کردند و آن فتنه را راه انداختند و کار را به جاهایی رساندند که به خیال خودشان جاهای بسیار باریک و حساس و دقیقی بود، [اما] ناگهان حرکت عمومی نهم دی همه را مبھوت کرد. این حرکت نهم دی سال ۸۸ از جنس همان حرکت نوزدهم دی شماها در سال ۵۶ است.

#### دیدار نوروزی فرماندهان ارشد نیروهای مسلح با فرمانده کل قوا / ۱۳۹۶/۰۱/۳۰

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به حمله آمریکا به سوریه و برخی تحلیلهای با هدف امکان‌پذیر نشان دادن این اقدام در نقاط دیگر دنیا، افزودند: جنایت، تجاوز، تخطی و تعدی کاملاً از آمریکایی‌ها بر می‌آید و در نقاط دیگر دنیا نیز این کارها را کرده‌اند اما مسئله این است که آنها جرات انجام چنین کاری را در کجا خواهند داشت؟ ایشان تأکید کردند: جمهوری اسلامی نشان داده است که با اینگونه حرفهای بی‌ربط و کارهای غلط، از میدان به‌در نمی‌رود و مردم و مسئولانی که به انقلاب اعتقاد دارند، با توکل بر خدا، در مقابل تهدیدها و تشرها عقب نمی‌نشینند، زیرا اگر بنا بر عقب‌نشینی بود، امروز کشور دچار درماندگی و ورشکستگی روحی و تمدنی شده بود.

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ارزیابی اقدام اخیر آمریکا در تهاجم نظامی به سوریه افزودند: کاری که آمریکایی‌ها کردند، اشتباه و خطایی راهبردی است و آنها در حال تکرار خطای گذشتگان خود هستند.

ایشان خاطر نشان کردند: مسئولان قبلی آمریکا داعش را بوجود آوردند یا به آن کمک کردند و مسئولان کنونی نیز در حال تقویت داعش با گروهی نظیر آن هستند. رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه خطر این گروهها در آینده گریبان آمریکایی‌ها را خواهد گرفت، افزودند: اروپا امروز به خاطر غلطی که در تقویت تکفیرها انجام داد، گرفتار است و مردم در خانه و خیابان امنیت ندارند و آمریکا نیز در حال تکرار همان غلط است.

#### بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام) / ۱۳۹۶/۰۲/۳۰

مسئله‌ی امنیت و آرامش برای این کشور بسیار مهم است. در انتخابات، مسئولان امنیت، مسئولان آرامش، از قوه قضائیه، از نیروی انتظامی، از وزارت کشور، و بقیه باید همه مراقبت بکنند که امنیت را حفظ بکنند. اگر کسی علیه امنیت این کشور بخواهد قیام بکند، قطعاً با عکس‌العمل و واکنش سخت مواجه خواهد شد؛ این را بدانند. آن صهیونیست پولدار آمریکایی خبیث که گفت من گرجستان را با ده میلیون دلار توانستم زیرورو کنم، در سال ۸۸ به فکر افتاد که جمهوری اسلامی را هم این‌جوری [کند]. ببینید این خطای در تطبیق و این حماقت در شناخت به کجا میرسد که جمهوری اسلامی با این عظمت را، ملت ایران با این عظمت را مقایسه کنند با کشورهای دست‌چندم دنیا و بخواهند اثر بگذارند و کار بکنند؛ خوب برخورد کردند با دیوار مستحکم اراده و عزم ملی. امروز هم همین‌جور است؛ این را بدانند که امنیت برای این کشور خیلی مهم است، مردم به امنیت اهمیت میدهند، این حقیر هم به‌تبع مردم، به امنیت این کشور اهمیت میدهم؛ در انتخابات باید امنیت به‌صورت کامل محفوظ بماند؛ و هرکسی که از این راه تخطی بکند، قطعاً بداند سبلی خواهد خورد.

#### بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی / ۱۳۹۶/۰۷/۲۶

دشمن ما دچار عقب‌افتادگی ذهنی است؛ حالا [این را] یک‌خرده بیشتر عرض خواهم کرد. نه فقط خود این رئیس‌شان، [بلکه] دستگاه حاکمه‌شان واقعا دچار یک عقب‌افتادگی ذهنی هستند. اینها میخواهند ایران جوان مومن انقلابی فعال پیشرفته را به عقب برگردانند، به پنجاه سال قبل؛ خوب نمیشود دیگر؛ معلوم است که نمیشود؛ یعنی میخواهند همان وضعیتی را که اینها در پنجاه سال قبل با این ملت داشتند، برای این کشور به خیال خودشان پیش بیاورند؛ خوب این عقب‌ماندگی ذهنی نیست؛ مثل پنجاه سال پیش فکر میکنند؛ نمیتوانند درک کنند که چه اتفاقی اینجا افتاده. اتفاقات مهمی در این منطقه افتاده؛ البته مهم‌ترین انقلاب اسلامی و پیدایش نظام جمهوری اسلامی است اما خوب اتفاقات مهم دیگری هم افتاده در اطراف ما؛ اینها را نمیتوانند درست درک کنند. چون نمیتوانند درک بکنند، پس محکومند به اینکه شکست بخورند؛ مطمئناً محاسبات غلط موجب میشود که آنها شکست بخورند؛ در عراق محاسباتشان غلط بود، شکست خوردند؛ در سوریه محاسباتشان غلط بود، شکست خوردند؛ در منطقه‌ی شرقی ما هم همین‌جور -حالا- نمیخواهم جزئیات را وارد بشوم- محاسباتشان غلط بود، شکست خوردند؛ تا امروز. در مورد کشور خود ما هم همین‌جور [است]؛ چهل سال است اینها دارند دشمنی میکنند با ما، توی دهنشان میخورد، شکست میخورند؛ چرا؟ چون محاسبه‌شان غلط است، چون درکشان از واقعیت غلط است؛ درک درست ندارند.

#### بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان / ۱۳۹۶/۰۸/۱۱

همین اواخر رئیس دولت آمریکا گفت، ملت ایران، ملت تروریست است. شما ببینید چقدر این نگاه، نگاه ابلهانه‌ای است! یک ملت را میگویند تروریست؟ نمیگوید رهبر تروریست است، نمیگوید دولت تروریست است؛ میگوید ملت ایران تروریستند! این دشمنی نیست؟ چند سال قبل از این هم یک دولتمرد دیگر آمریکایی گفت ما باید ریشه‌ی ملت ایران را از بین ببریم و بکنیم. احمق! ریشه‌ی یک ملتی را، آن‌هم یک چنین ملتی با این سابقه‌ی تاریخی، با این درخت تناور فرهنگی، میشود کند؟ ببینید! [این] دشمنی است؛ وقتی دشمن است، چشمش بسته است؛ مثل آدمی که نمیبیند، نمیتواند درست محاسبه کند، نمیتواند درست ارزیابی کند؛ که همین عدم توانایی محاسبه‌ی او موجب میشود که شکست بخورد. چون درست نمیتواند محاسبه کند، چون صحنه را درست نمی‌شناسد، شکست هم میخورد، که شکست هم خورده‌اند! الان قریب چهل سال از پیروزی انقلاب میگذرد؛ از روز اول که این انقلاب یک نهال باریکی بود، با آن جنگیدند و حمله کردند؛ امروز به کوری چشم اینها [انقلاب] یک درخت تناور پربرگ‌ویاری شده. پس این نشان‌دهنده‌ی این است که نمیتوانند و نتوانستند؛ اما دشمنی میکنند؛ مال امروز هم نیست.

#### بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۷/۱۰/۱۹

در دهم دی ماه سال ۵۶، رئیس‌جمهور آمریکا آمد در تهران و یک نطق غرائی(۱) کرد در تمجید اغراق‌آمیز و دروغین از محمدرضا. در این نطق غرا گفت «ایران جزیره‌ی ثبات است»؛ یعنی چه؟ یعنی خیال آمریکا از ایران وابسته و مسنولان نوکر مآب ایران آسوده است؛ اینجا جزیره‌ی ثبات است -این مال دهم دی ماه است- ده روز نشده بود که قضیه‌ی قم اتفاق افتاد و نوزدهم دی ماه مردم قم قیام کردند، حرکت کردند، با جان خود، با تن خود علیه آن رژیم ظالم و وابسته و فاسد به میدان آمدند. دستگاه محاسباتی آمریکا و غرب این است؛ این را توجه کنید. خود غربی‌ها، خود آمریکایی‌ها می‌بالند به قدرت محاسباتی خودشان، به قدرت تحلیل خودشان، به آینده‌نگری خودشان، و اینجا هم یک عده غرب‌زده‌ی آمریکازده پز قدرت محاسباتی آمریکا را می‌دهند که «آمریکایی‌ها این جور گفتند، فلان دانشمند آمریکایی، فلان مرکز پژوهشی آمریکایی این جور گفته، این جور دنیا را شناخته، این جور آینده را تصویر کرده». قدرت محاسباتی آمریکا این است [که می‌گوید] «اینجا جزیره‌ی ثبات است»، کمتر از ده روز بعد معلوم میشود که جزیره‌ی ثبات یعنی چه؛ قیام قم، بعد قیام تبریز، بعد حرکت عظیم، بعد آن طوفان زیر و رو کننده‌ی انقلاب اسلامی و نابودی رژیم وابسته‌ی سرسپرده‌ی طاغوت و پهلوی [رخ می‌دهد]؛ (۲) این قدرت محاسباتی، این توانایی محاسباتی تا امروز همان جور است. همین چندی پیش در همین نزدیکی، یکی از دولتمردان آمریکایی(۳) در جمع یک مشت اوباش و تروریست گفت امیدوار است یا آرزو دارد که جشن کریسمس ۲۰۱۹ را در تهران بگیرد؛ جشن کریسمس ۲۰۱۹ همین چند روز پیش بود. این همان قدرت محاسباتی است، اینها همان آدم‌ها هستند. محاسبات آنها اقتضا میکند که یک چنین امیدی داشته باشند؛ مثل امید صدام‌حسین که [میخواست] یک هفته‌ای بیاید تهران، مثل امید مزدور دیگرشان منافقین که از کرمانشاه راه بیفتند در طرف سه روز مستقیم خودشان را برسانند تهران؛ اینها محاسبات است! توانایی محاسبات دشمن این است. بعضی از دولتمردان آمریکا وانمود میکنند دیوانه‌اند؛ بنده البته این را قبول ندارم، اما حقیقتاً احمق‌های درجه‌ی یک هستند.

قیام مردم قم صف‌بندی دو دستگاه محاسباتی، صف‌بندی دو نظام معرفتی، صف‌بندی دو الگوی تحلیلی در مقابل یکدیگر را نشان داد؛ یکی نظام معرفتی لیبرال‌دموکراسی دروغین پای‌درگل غربی، یکی نظام معرفتی توحیدی اسلامی؛ تقابل دو دستگاه پیش‌بینی و تقویم و محاسباتی را نشان داد؛ آن دستگاه محاسباتی آمریکا که ایران را آن جور می‌بیند با آن محاسبات اول کار آمریکایی‌ها که سنای آمریکا در اولین ماه‌های پیروزی انقلاب، ایران را تحریم کرد و بنا را بر این گذاشتند که تا پنج ماه دیگر، شش ماه دیگر، انقلاب اسلامی از بین خواهد رفت -این محاسبات آنها است- این هم دستگاه محاسباتی نظام اسلامی که امام بزرگوار گفت «صدای خرد شدن استخوان‌های مارکسیسم را دارم می‌شنوم»(۴) و یک سال بعد، دو سال بعد، همه‌ی دنیا صدای خرد شدن این استخوان‌ها را شنیدند؛ مسئله این است.

### دیدار رئیس‌جمهور سوریه با رهبر انقلاب / ۱۳۹۷/۱۲/۰۶

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به یک خطای محاسباتی دشمنان در قضیه سوریه نیز اشاره و خاطر نشان کردند: اشتباه دشمنان این بود که سوریه را با برخی کشورهای عربی اشتباه گرفتند، در حالی‌که در آن کشورها حرکت مردم در جهت مقاومت و در واقع، قیام علیه آمریکا و دست‌نشانگان آن بود.

